

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

داکتر اجرالدین حشمت



از جنبش مشروطه تا دولت مشروطه در افغانستان

در عرصه نظامی :

مرور کوتاهی بر سیر انکشاف تاریخ اردو در کشور نشان میدهد که تا اواسط قرن نوزدهم افغانستان دارای قوای منظم و دایمی نظامی نبوده، شاهان و امیران برای دفاع از کشور در برابر حملات خارجی و یا حراست سلطنت خود و انقیاد مردم از استخدام عناصر و افراد با نفوذ و یا سایر اقوام و قبایل استفاده میکردند.

اما اردوی منظم با یونیفورم و معاش معین و تشکیلات مشخص در زمان سلطنت امیر شیرعلی خان بنیان گذاری شد که شاه روان غبار وضع اردوی افغانستان را در آن دوره چنین تعریف مینماید: «اگر چه این اردو از نظر سوق الجیشی در قدم های اولین و ابتدائی بود تشکیلات با لاتر از غنند وجود داشت معهذ شکل وضع الجیشی آن منکشف میگردد و صنوف ثلاثه (پیاده، سوار و توپچی) در مناطقی عمده نظامی موقع گرفته بود... در عقب اردو کارخانه های توپ ریزی، تفنگ و باروت سازی وجود داشت، قشله های عسکری تعمیر و معلمین خارجی استخدام گردید. اردوی منظم افغانی در زمان امیر شیرعلی خان مشتمل از پنجا و هفت غنند پیاده نظام، بیست غنند سواره و بیست و شش با تریه توپ کوهی و سواری و فیللی که در کابل، ننگرهار، پکتیا، قندهار، هرات، میمنه، بلخ و نقاط سرحدی افغانستان مقیم بود.»

اما وضع کمی و کیفی اردوی افغانستان در دوره امارت امیر عبدالرحمان خان تغییر مینماید یعنی تعداد آن به دو برابر دوره امیر شیرعلی خان میرسد. چون امیر عبدالرحمان خان طبق اراده مردم به پادشاهی افغانستان برگزیده نشده، بلکه از خارج با لای ملت تحمیل گردیده بود فلذا ادیماً در برابر مقاومت های

مردم علی‌الخصوص پیش‌آهنگان دفع تجاوز دوم انگلیس (غازیان)، دهقانان و روشنفکران قرار داشت. و برای سرکوبی مخالفین خود در داخل کشور به يك اردوی قوی، منظم و دایمی احساس ضرورت میکرد که جمع‌آوری آن از طریق سیستم هشت نفری صورت میگرفت، بدین معنی که از هشت نفر نفوس قابل حمل سلاح (در يك قریه) يك نفر از سن چهارده تا پنجاه ساله طور دایم شامل قطعات نظامی میگردد. جهت کسب معلومات احصائی تشکیلات اداری دوره‌امارت امیر عبدالرحمان خان بهتر خواهد بود تا خواننده محترم به مطالب زیر که از «افغانستان در مسیر تاریخ» گرفته شده توجه نماید:

«اردوی منظم افغانستان به نود و شش هزار و چهارصد نفر بالغ میشد. این اردو عبارت بود از هشتاد کندک هفت صد نفری پیاپی ده، چهل کندک چهار صد نفری سواره و يك صدباتریه توپخانه که هر با تری آن شش عراده توپ و يك صد توپچی داشت... این اردو وقت الظهیری از شصت هزار تنگ‌دار دیگر داشت که نصف آن به نام خاصه‌دار در ولایات و سرحدات کشور وظایف پولیس و ژاندارم را ایفاء میکردند و نصف دیگر آن به نام خوانین سوار در حصص مختلفه کشور زیر قیادت خان‌های دست‌نشانده دولت قرار داشتند... خرید اسلحه و جبه‌خانه سالانه شانزده میلیون روپیه بود.»

امیر عبدالرحمان خان در تعمیر قشله‌ها، دیپوهای اسلحه، احداث فابریکه اسلحه‌سازی مساعی زیاد به خرج داد و واقعاً اردوی قوی و منظم ایجاد نمود که در سایه آن از هیچ نوع تخویف، تهدید، ظلم، شکنجه و کشتار بی‌حد و حصر دریغ ننمود.

امیر حبیب‌الله خان دولتی را از پدر به ارث برد که دارای اردوی منظم بود و با يك تغییر سطحی در تشکیل آن اکتفاء نموده، در تنقیص و تزئید آن مبادرت نورزید.

الیحضرت امان‌الله خان از نظر مسلک شخصی فرد نظامی بود و قبلاً از نواقص و کمبودی‌های اردوی افغانستان آگاهی کامل داشت. او به خوبی میدانست که سیستم هشت نفری جمع‌آوری تبعه افغانستان جهت سپری نمودن خدمت زیر بیرق يك شیوه غیرعادلانه است، زیرا انتخاب و سوق دادن افراد و خدمت‌عسکری به صواب دید خان‌ها و ملک‌ها و اشخاص با نفوذ صورت میگردد، فلذا اکثریت افراد اردو را مردم غریب و بی‌بضاعت تشکیل داده، پسران خوانین، اشخاص ذیصلاح، از اجرای این وظیفه مقدس مصون و مبراء بودند. برای رفع این نقیصه، دولت سیستم «پشک» و یا «قرعه‌کشی» را که از طرف هیأت دولت صورت میگرفت، تنظیم نمود. این سیستم دو مزیت داشت: نخست با تطبیق این شیوه به زدوبند هاومداخلات خوانین و اربابان پایان داده میشد و عدالت نسبی برقرار میگردد، دوم تمام اقوام و قبایل ساکن افغانستان طور مساویانه در خدمت زیر بیرق و حراست کشور سهم میگرفتند.

اردوی افغانستان در اوایل امر زیادتر متکی به کمک‌های مشاورین ترکیه بود که با شناخت ناقص آنها از جامعه افغانی، دولت با يك سلسله مشکلات مواجه شد. مشاورین مذکور بدون نظر داشت خصوصیات جامعه قبایلی و نیمه‌فیوادی کشور میخواستند عیناً کاپی اصلاحات کشور ترکیه را که تقریباً يك دوره تاریخی از افغانستان جلوتر بود، پیاپی ده نمایند که بنا بر همین ملحوظ پیشنهادات اصلاحی آنها نتایج مثبت به بار نیاورد.

در جمله اصلاحات آن دوره یکی هم تزئید مدت خدمت دوره مکلفیت بود که به منظور پرورش و تربیه هر چه بهتر افراد و فرا گرفتن استعمال اسلحه از دوسال به سه سال افزایش یافت. اگرچه این پیشنهاد را وکلارد نمودند اما برای مخالفین دولت مشروطه زمینه تبلیغات را هنوز مساعدتر ساخت. ترخیص و تعویض

صاحب منصبان و افراد محافظه کار و معمر سابقه دار به افسران و عساکر جوان از جمله پلان های اصلاحی دیگر دولت بود که البته با تطبیق آن دو مامول برآورده میشد: اول پرورش و تربیه افسران و افراد جوان مطابق مقتضیات جدید نظامی و دوم صرفه جوئی از ناحیه تقلیل معاشات آنها، چنانچه معاش افراد دولت مطابق پیشنهادات مشاورین در مرحله اول از بیست روپیه به چهارده روپیه و بعداً به پنج روپیه تنقیص داده شد، اما در عوض درجهت شرایط رهایشی، وضع صحی و ماکولات تجدید نظر شد. (۱۱۰) بدبختانه با تطبیق این ریفورم با زهم در زندگی عساکر هیچ تغییری رونما نگردید و هزینه نظامی توسط آمرین و صاحب منصبان حیف و میل میشد. تصویب این پیشنهادات نه تنها انعکاسات بیرونی منفی از خود به جا گذاشت، بلکه در خود دستگاره دلتی بین اعضای ارشد آن موجب اختلافات شدید گردید، بدین معنی که محمد نادر خان منحیت وزیر حربیه خواهان حفظ عناصر محافظه کار و مسند در اردو بود. او استدلال میکرد که آنها درکارزار استرداد استقلال کشور از خود شایستگی و صداقت نشان داده اند باید در اردو حفظ شوند. در حالیکه در جبهه مقابل او محمود طرزی، محمد ولی خان وکیل مقام سلطنت و محمود سامی که از طرفداران پیشنهادات مشاورین ترکی و خواهان ریفورم جدید بودند، قرار داشتند. (۱۱۱)

همزمان با حوادث فوق الذکر شورش منگل مشتعل گردید و دولت مجبور بود برای سرکوبی آن دست به سویات بزند. محمد نادر خان نسبت رنجش و آزرده گی از دولت و به خاطر تطبیق ریفورم های نظامی در اردو از گرفتن رهبری جبهه پکتیا جهت فرو نشاندن شورش سر با زرد، از مقام وزارت حربیه استعفاء داد و به حیث وزیر مختار افغانی عازم فرانسه گردید. مطابق فرمان شاه، محمد ولی خان به حیث وزیر مقرر و قیادت محاذ جنوبی را به عهده گرفت و عازم آن ولایت گردید، بالاخره شورش در اثر مساعی و جانفشانی مشروطه خواهان و نظامیان منور سرکوب و اوضاع تحت کنترل آمد.

از ریفورم های دیگر قابل توجه دولت یکی هم تنقیص در کمیت اردوی یکصد هزار نفری افغانستان بود که نتیجه منفی و اثرات ناگوار آن در شورش شمالی برملا گردید. زمانیکه حبیب الله کلکانی با تعداد معدودی افراد مسلح کابل را اشغال نمود، در پایتخت نیروئی وجود نداشت تا از آن دفاع نماید. تعداد قلیل اردو که قبلاً در کابل ساکن بودند جهت سرکوبی شورش شنوار به ولایت مشرقی سوق داده شده بود. محترم فضل غنی مجددی تنقیص اردوی عصر امانی را چنین تعیین مینماید: «تعداد افراد قوای نظامی افغانستان در سال ۱۹۲۷م ۹۸۰۰۰ صاحب منصب و عسکر و ۱۸۰۰۰ مامور اداری بود و در نهایت سال ۱۹۲۷م نسبت صرفه جوئی در مصارف، عدد افراد نظامی به ۲۶۰۰۰ تقلیل یافت.»

اصولاً دولت میبایست قبل از تطبیق سایر ریفورم ها تغییرات بنیادی را در جهت تقویه قوای نظامی به راه می انداخت و یک اردوی قوی و منظم و عصری ایجاد مینمود تا حافظ نظام مشروطه و وسیله تطبیق ریفورم ها می گردید. موفقیت مشروطه خواهان ترکیه در آن بود که قبل از تطبیق پلان های اصلاحی در نصف اول قرن نوزدهم دست به تأسیس قوای نظامی عصری و نیرومند زدند و با تکیه به آن در نصف دوم سده مذکور اقدام به آوردن تغییرات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نمودند.

اگرچه مشاورین ترکی تا آخرین سال های سلطنت امان الله خان افغانستان را در عرصه نظامی یاری مینمودند، اما دولت تنها به استخدام آنها اکتفاء نکرد بلکه بعد از خریداری اسلحه از اروپا مشاورین جرمنی، فرانسوی، ایتالیائی، انگلیسی و روسی را نیز استخدام نمود. طوریکه معلوم میشود دولت نمیخواست

از نظر نظامی وابسته به کشور واحدی باشد، بلکه تلاش داشت تا روابط وسیع با سایر قدرت های بزرگ قیام نماید. دولت ما هر آنه میکوشید تا از رقابت های دول بزرگ شرق و غرب به نفع کشور خود استفاده نماید. شادروان غبار که در آن عصر نه تنها از جمله کارمندان اداری دولت بود، بلکه افتخار عضویت حلقه سیاسی «حزب جوانان افغان» را نیز داشت، وضع اردو و اصلاحات نظامی دولت را چنین جمع بندی مینماید:

«شاه در امور نظامی هیچ توجه مثبت نکرد و اردوی افغانستان را به اشخاص ملکی که هیچ سررشته از امور نظامی نداشتند سپرد و وزیرای حربیه او که منزلت قومندان عمومی قوای مسلح کشور را داشتند، اشخاص عادی و عجمی در امور نظامی بودند، به علاوه افسران کار دیده و امتحان شده را به تدریج از این امور دور نمود... بودجه اردو محدود و تعداد قشون به مناسفه تقلیل گردید، رشوه خوری در اردو به امر طبیعی درآمد، پس در کشوری که طبقه فیودال و اشراف و روحانیون مخالف دولت بودند، مامورین دولت بارشوه خوری توده های را رنجانده می رفتند و هم فعالیت زیرزمینی استعمار برای تخریب کشور و ام داشت، تضعیف اردو و که آخرین وسیله حفظ و تطبیق ریفورم های دولت بود، به جز از جنون معنی دیگر نمیداد. همین روش سیاست شاه بود که زمینه آخرین انقلاب کشور و انهدام دولت جوان افغانستان را آماده کرد و سه سال بعد مملکت واژگون گردید.»

با در نظر داشت تمام معایب و نواقصی که در ساحه اصلاحات نظامی در فوق یاد دهانی شد، نباید از جنبه های مفید و سودمند آن از قبیل: خریداری اسلحه پیشرفته از ممالک اروپائی، ایجاد قوای هوائی برای اولین بار در اردوی افغانستان و توريد هوا پیمای های نظامی، تربیه و پرورش پرسنل افغانی و استخدام ده ها متخصص و مشاور نظامی از ممالک مختلف اغماض نمود.

تردیدی نیست که منظور از تطبیق پلان های اصلاحی دولت مشروطه، بهبود وضع اجتماعی، اقتصادی و نظامی کشور و اعمار يك افغانستان مدرن و پیشرفته در قطار سایر ممالک جهان بود و اما ن الله خان منحیث زعیم دولت مذکور با حسن نیت، مخلصانه و بی آلايشانه در طرح و تطبیق آنها کوشید، اما بزرگترین کمبود آن بود که مشارالیه آن بینش اجتماعی را نداشت تا بداند که ریفورم های مذکور برای تمام اقشار و طبقات اجتماعی کشور يك سان قابل پذیرش نیست و یابه عبارت دیگر در جامعه طبقاتی افغانستان گروه های وجود دارند که منافع شان با این اصلاحات مطابقت ندارد و عکس العمل های منفی و مخالفت های طبقاتی آنها در برابر آنهمه تغییرات امر حتمی است و میبایست برای خنثا نمودن آنها سنجش درست و تدبیر مناسب اتخاذ میشد که نشد و این خود یکی از بزرگترین عواملی بود که سرانجام زمینه فروپاشی دولت را مهیا نمود.

در عرصه های اقتصادی و مالی:

دولت علاوه از ریفورم های اجتماعی و اداری، پروگرام اصلاحات اقتصادی و مالی را نیز از نظر دور نداشت. چون تطبیق آنها سودمند و مفید و در عین زمان تاثیر آینی با لای زندگی مردم داشت، بدون تولید سر و صدا قابل پذیرش قرار گرفت و برای مخالفین دولت مجال آنرا نداد تا از آنها منحیث وسیله تبلیغاتی علیه نهضت نوپا استفاده سوء نمایند. مثال برآزنده این تغییرات، تنظیم و شیوه جمع آوری مالیات از زارعین بود، چه قبل از استقرار دولت مشروطه، پرداخت انواع مختلف مالیات و سیستم اخذ آنها یکی از بزرگترین مشکلات مزمن مردم و علی الخصوص زارعین بود که اکثریت مطلق نفوس کشور را تشکیل میدادند. مالیات قبلاً به صورت جنس پرداخته میشد که این شیوه برای مالیات دهندگان انواع مصایب را خلق میکرد: اولاً انتقال مالیات جنسی از قشلاق ها و قراء دور افتاده و کوهستانی کشور تا گدام های دولتی برای زارعین کار

ساده نبود و ثانیاً جنس مذکور از جانب ما مورین با انواع مشکلات و چانه زدن‌ها پذیرفته میشد، زیرا مسئولین مالیه گیرنده جهت سوء استفاده و طلب رشوه از زارعین با لای کیفیت و کمیت آن خرده می‌گرفتند و بدین منوال نه تنها وقت مالیه دهنده ضایع می‌گردد بلکه معادل و یا حتی بیشتر از قیمت مالیه باید طور رشوه تادیه می‌گردد تا جنس مذکور مورد قبول قرار می‌گرفت. تغییر شکل سیستم جمع‌آوری مالیه از جنس به نقد از یکطرف از تکلیف مردم به خصوص زارعین کاست و از جانبی دولت دارای درآمد ثابت و مشخص گردید که اخیراً در تنظیم پلان‌های آینده او کمک نمود. ترویج پول، رونق تجارت داخلی و خارجی، ازدیاد تولیدات و تنظیم بودجه در اثر اصلاحات میسر گردید. (۱۱۲)

با در نظر داشت اهمیت زراعت در کشور دولت پروگرام‌های وسیع برای انکشاف منابع زراعتی روی دست گرفت. چون اکثریت نفوس کشور در آن زمان نسبت عدم انکشاف صنایع و کمبود کارهای حرفه‌ئی به فعالیت‌های زراعتی اشتغال داشتند اما این طبقه بزرگ فاقد زمین بود، دولت برای تشویق آنها و بلند بردن سطح حاصلات زراعتی «قانون فروش املاک دولتی» را تدوین نمود که در نتیجه آن پروگرام از یکطرف زارعین صاحب زمین شدند و از جانب دیگر سطح حاصلات به اندازه‌ای بلند رفت که افغانستان نه تنها از نظر مواد زراعتی خود کفایت گردید، بلکه برای اولین بار توانست که اضافه‌گندم و برنج و سایر حبوبات خود را به روسیه صادر کند که از آن مدرک یک مقدار اسعار قابل ملاحظه به دست آورد. (۱۱۳)

دولت جهت انکشاف بیشتر زراعت و رفع مشکلات دهقانان لویج و مقررات جدید وضع نمود که از آن جمله میتوان از قانون مالیات زمین زراعتی به نام «نظامنامه للمی و مالیه» یاد نمود که توسط وکلای لوی جرگه ۱۹۲۴ م تأیید و تصویب گردید و هم‌چنان برای تنظیم بهتر مالیه‌مواشی قانون جدیدی به نام «نظامنامه محصول مالیه‌مواشی» تدوین و جهت تصویب به جلسه لوی جرگه ارائه گردید. جهت پرورش و تربیه پرسنل مسلکی در بخش‌های اصول دفترداری و مالیه در کابل مکتب «اصول دفتری» به مدیریت مرزا مجتبی خان دایر گردید که فارغان آن به ما موریت‌های مالیه گماشته شدند. (۱۱۴) در سال ۱۹۲۳ م وزارت مالیه کتاب رهنمای علم مالیه و گمرک را به چاپ رسانید و برای اصلاح بیشتر دولت نظام حساب عدد و ارقام عربی و هندی را در شعبات حتمی دانست تغییر سیستم جمع‌آوری مالیات با عث ترویج پول در معاملات مالی و تجارتي کشور گردید، علاوه از سکه‌های طلائی قبلی سکه‌های نقره‌ئی نیز در معاملات روزمره مورد داد و ستد قرار گرفت. پول جدید افغانستان برای اولین بار در بازارهای تجارتي با روپیه هندی همسری و با نرخ مسا عد تبادل می‌شد. (۱۱۶) در ۱۹۲۰ م جهت انکشاف اقتصاد ملی دولت به نشر پول کاغذی اقدام نمود چنانچه نوت‌های یک، پنج و صد افغانیگی نشر گردید. (۱۱۷)

دولت به کمک متخصصین خارجی در ۱۹۲۴ م در صد دتاسیس یک بانک مرکزی برآمد، چنانچه ایجاد چنین بانک را حکومت انگلستان نیز حمایت نمود که متاسفانه این پروژه هم در لوی جرگه ۱۹۲۴ م و هم در ۱۹۲۸ م توسط نمایندگان رد شد که به این ترتیب افغانستان تا زمان سلطنت محمد نادر خان فاقد بانک بود، در ۱۹۳۱ دولت اولین بانک را در کابل تأسیس نمود که تأسیس آنرا وکلای ملت رد ننمودند. (۱۱۸)

لغوم محصولات گمرکی، ترویج و به‌دوران افتادن پول افغانی در انکشاف تجارت داخلی و خارجی کمک نمود. دولت برای تنظیم امور تجارتي «محاكم شرعی معاملات تجارتي» دایر و «نظامنامه محصول گمرکی» را تدوین و آنها را جهت تصویب نهائی به لوی جرگه تقدیم کرد. هکذا حکومت مراکز محصول‌گیری‌های مختلف را در سراسر کشور مسدود و نظام گمرکی را توحید و مربوط اداره مرکزی نمود.

امتنه صادراتی افغانستان دیگر نه تنها در بازار های ممالک همسایه چون هند، ایران و آسیای مرکزی، بلکه قالین و پوست قرقل آن در مارکیت های اروپا سرازیر میشود. دولت برای جلوگیری از واردات اجناس خارجی و اشیای غیر ضروری و تجملی محصول گمرکی آنرا اضافه نمود. عمده ترین قلم وارداتی را در آن زمان منسوجات تشکیل میداد و برای جلوگیری از واردات آن دولت فابریکه نساجی خریداری نمود تا کشور از نظر تولید آن متکی به خود شود. برای تسهیلات تجارت افغانی نمایندگان تجارتی افغانستان به ممالک دوست و همسایه اعزام و دوایر تجارتی خود را در آنجاها باز نمودند.

نکته ای که در این جا باید یاد دهانی شود آن است که هیأت افغانی تحت ریاست اعلیحضرت امان الله خان در سفر اروپائی خود با ممالک نظیر ایتالیا، بلجیم و جرمنی قرار داد های تجارتی عقد نموده و از يك تعداد ممالک دیگر امتیازات قابل ملاحظه ای از قبیل رفع محصول و تعرفه گمرکی و غیره به دست آورد. باختصار کلام گفته میتوانیم که در عهد دولت مشروطه تجارت داخلی و خارجی افغانستان از رونق خوبی برخوردار بود.

به قول نویسنده امریکائی «لیون پولادا» مهاجرت کثله ئی مردمان آسیای مرکزی در اثر جنگ های «بسمچیان» به افغانستان بارمه های گوسفند، قره قل و گله های حیوانات، در بهبود اقتصاد کشور بی تاثیر نبوده است. با مهاجرت آنها تولیدات پوست قرقل و صنعت قالین بافی انکشاف مینماید، چه پوست قره قل و قالین که قبلاً از طریق بخارا و آسیای مرکزی به روسیه صادر میشد، بعد از آن مستقیماً از افغانستان به بازار های اروپائی فرستاده شد که این امر انکشاف تجارت خارجی کشور را تسریع نموده و ارتباط مستقیم بین بازار های افغانستان و مارکیت های اروپائی به وجود آورد.

قبل از ایجاد دولت مشروطه یکی از مشکلات عمده افغانستان در برابر توسعه تجارت عدم موجودیت سرک ها و خطوط مواصلاتی، هوائی، تلگراف و خدمات پوستی بود که دولت برای رفع این معضله پلان های مشخصی روی دست گرفت، چنانچه اعلیحضرت امان الله خان در سفر هفت ماهه خود يك تعداد توافقات و قرار دادها را با دول مختلف عقد کرد که بعضی از آنها به پایه اکمال رسید و بعضی در چوکات پروژه باقی ماند که از جمله پلان های اخیر الذکر یکی هم شاهره کابل جلال آباد و ساختمان تونل سالنگ ها بود که بعداً در زمان سلطنت محمد ظاهر شاه و دوره صدارت مرحوم محمد داوود (۱۹۵۳ م) تکمیل گردیدند.

علاوه از ساختمان راه های ارتباطی بین ولایات کشور، تمدید خط آهن از کابل الی قندهار و هرات از جمله پلان های دولت بود، چنانچه این موضوع با کمپانی های فرانسوی و جرمنی مطرح و قرارداد ساختمان آنرا عقد نمودند، که طبق این توافق نامه در ده سال خط آهن از جنوب افغانستان به شمال آن تمدید میگردد، چارنفر فرانسوی برای سروی این کار به کابل آمده پروژه آنرا تکمیل نمودند (۱۱۹)، اما نظر به خرابی اوضاع و سرانجام فروپاشی دولت مشروطه کار ساختمان آن عملی نشد که متأسفانه تا امروز افغانستان از داشتن خط آهن که بهترین وسیله ترانسپورتی برای ممالک محاط به خشکه است، محروم میباشد. دولت برای انکشاف مزید تولیدات داخلی کارخانه های ترمیم موتر، پرزه سازی، صابون و عطریات، نختابی و پارچه بافی، نجاری، یخ سازی، پنبه و روغن کشتی در قندهار، مزار شریف و هرات تأسیس نمود و تشکیل دهه ها فابریکه دیگر در نظر گرفته شد. (۱۲۰)، پروژه های استیشن های برق لغمان، جلال آباد و قندهار جهت تولید انرژی مورد نیاز زیر کار بود. (۱۲۱)

دولت برای استفاده از منابع معدنی به خصوص مواد انرژی (ذغال سنگ و نفت) ، حفاظت جنگلات شمال شرق و جنوب شرق کشور پلان های مشخص داشت ، اگرچه اکثر آنها ناتمام ماند اما این پروژه ها اساس خوبی برای انکشاف پلان های اقتصادی ، صنعتی و عمرانی دولت های آینده افغانستان گردید . در نتیجه تطبیق بعضی از ریفورم ها ، عایدات دولت نسبت به سابق بیشتر از دو چند گردید و سالانه از ۸۰ میلیون به ۱۸۰ میلیون روپیه رسید . (۱۲۲)

دولت مشروطه به زعامت اعلیحضرت امان الله خان برای تغییر دادن جامعه افغانستان و اعمار يك دولت متمدن و پیش رفته ریفورم های اقتصادی و مالی را با تمام اخلاص و حسن نیت طرح ریزی نمود ، اما نسبت تعدادی از عوامل داخلی و خارجی نه تنها موفق به کار برد آن پروژه های نافع و سود مند نشد ، بلکه دولت خود قربانی سوء تطبیق آنها گردید.

آن عده از هموطنانی که خواسته باشند کتاب را خرید نمایند می توانند به آدرس ذیل تماس بگیرند:

Dr. Ajruddin Hashmat
97 Forest Heights Str.
Whitby, Ont. L1R 1x7. Canada
Tel (905) 665-8767